

«به نام آن که جان را فکرت آموخت»

ستایش: لطف خدا

- ۱) به نام خدایی سخنم را آغاز می‌کنم که به سخن ما طعم و مزه داده و آن را شیرین و اثربخش کرده؛ کسی که در بیان و گفتار ما شیرینی معنی و مفهوم را قرار داده است (نام خدا مایهٔ زیبایی سخن است).
- ۲) کسی سربلند و پیروز است که خداوند خواهان سربلندی او باشد. کسی که خداوند زبونی و اندوهگینی او را بخواهد، پست و زبون خواهد شد (عزت و ذلت همه به دست خداست).
- ۳) خداوند در خانهٔ بخشش و کرم خودش را - که همیشه باز است و هیچ گاه بسته نخواهد شد - به روی همگان باز کرده و به هر کسی ضروریات زندگی و احتیاجات اولیهٔ او را بخشیده است (بخشندگی خداوند).
- ۴) خداوند وضعیت جهان را به گونه‌ای بنیان نهاده و ترتیب داده که وجود هیچ ذره‌ای در عالم خلقت کم و یا زیاد نیست. (ایجاد و برقراری نظم و تعادل در عالم هستی - نظام احسن آفرینش).
- ۵) اگر لطف و مهربانی خدا شامل حال انسان‌ها شود، همهٔ سیاه‌روزی‌ها و بدبختی‌ها به سعادت‌مندی و خوشبختی مبدل می‌گردد (لطف خدا مایهٔ خوشبختی و نجات است).
- ۶) و اگر عنایت و حمایت خدا شامل حال انسان نشود و از او دور گردد، از چاره‌اندیشی و فکر و اندیشهٔ آدمی کاری ساخته نیست (ناتوانی عقل انسان در برابر ارادهٔ خدا).
- ۷) اگر خداوند به عقل و خرد ما روشنایی (توانایی درک و فهم امور) نبخشد، انسان تا همیشه در بداندیشی و گمراهی باقی خواهد ماند (روشنگری عقل فقط در سایهٔ لطف الهی ممکن است).
- ۸) نشانهٔ پختگی و رشد عقل آدمی در راه شناخت خدا این است که خود را در برابر او ناآگاه و بی‌دانش بداند (کافی نبودن آگاهی و دانش انسان در معرفت خدا).

درس یکم: نیکی

- ۱) فردی روباهی بی دست و پا (ناتوان و عاجز) دید و از مهربانی و آفرینش خدا متحیر و متعجب شد.
- ۲) که چگونه به زندگی خود ادامه می دهد؟ و با این بی دست و پایی چگونه روزی خود را به دست می آورد؟
- ۳) فقیر آشفته حال در این اندیشه بود که شیری در حالی که شغالی به چنگ گرفته بود، آمد.
- ۴) شیر شغال بدبخت را خورد و از باقیمانده طعمه، روباه تا می توانست خود را سیر کرد.
- ۵) روز دیگر باز این گونه پیش آمد که خدا رزق و روزی روباه را فراهم کرد (روزی بخش بودن خداوند).
- ۶) یقین به قدرت الهی و رزاق بودن خدا، چشم مرد را بینا کرد (وی را هوشیار کرد). بنابراین رفت و در کارش توکل به خدا کرد.
- ۷) که از این به بعد مانند مورچه ای در گوشه ای سکونت می کنم؛ چرا که فیل ها نه با زور و قدرت بلکه به آسانی و بی درد سر، غذای خود را به دست می آورند.
- ۸) چند روزی چانه (سر) در گریبان کرد (گوشه نشین شد)؛ با این امید که خدای رزاق، رزق و روزی او را از عالم غیب بفرستد (ترک تلاش و تکیه بر رزاق بودن خدا).
- ۹) [در این مدت گوشه نشینی] هیچ کس برای او دلسوزی نکرد و غمخوارش نشد. مانند چنگ (نوعی ساز) لاغر و باریک شد و رگ و استخوان و پوستش باقی ماند (از بی غذایی گوشت بدنش آب شد).
- ۱۰) وقتی از شدت ضعف و ناتوانی بردباری و هوش و حواس خود را از دست داد، از سوی محراب چنین ندایی شنیده شد:
- ۱۱) ای مکار حیلہ گر، برو همچون شیر شکاری باش (پرقدرت و باصلابت روزی خود را به دست بیاور). خود را مانند روباه دست و پای از کار افتاده، ناتوان و ضعیف نشان نده (تکیه کردن بر زور و بازو و تلاش و اراده خود).
- ۱۲) آنچنان رفتار کن که مانند شیر چیزی از تو بازماند [که دیگران از آن باقیمانده بهره ببرند]. چرا همچون روباه از باقیمانده غذای دیگران، خود را سیر می کنی؟ (نکوهش و ابستگی به دیگران و توصیه به متکی بودن به خود)
- ۱۳) تا می توانی از زور بازوی خودت (با تکیه بر نیرو و توان خود) رزق و روزی به دست بیاور؛ چرا که نتیجه زحمت و تلاش تو به خودت برمی گردد (تکیه کردن به نیروی خود - بازگشت نفع تلاش به خودمان).

۱۴) ای جوان برومند و توانا، دست فقیر پیر را بگیر و یاریش کن؛ نه این که خودت را عاجز و ناتوان جلوه دهی و انتظار کمک و یاری از دیگران داشته باشی (توصیه به یاری کردن دیگران - نکوهش وابستگی به دیگران).

۱۵) لطف و بخشایش ایزدی متعلق به بنده‌ای است که مردم از دست و زبان او در کمال آسایش و آرامش باشند (نیکی رساندن - نفی مردم‌آزاری).

۱۶) شخصی که مغزی پخته در سر داشته باشد (دانا و آگاه باشد)، به دیگران بخشش می‌کند؛ در صورتی که افراد پست و کوتاه‌فکر جاهل و نادان هستند (بخشنده‌گی و بلندهمتی نتیجه‌ خرد و دانش است).

۱۷) کسی در دنیا و آخرت احسان و نیکی را تجربه می‌کند که به آفریده‌های خدا نیکی کند (سفارش به نیکی و احسان).

کارگاه متن‌پژوهی

❖ قلمرو زبانی

- ۱) دغل: مکار و حيله‌گر / جیب: گریبان، یقه / دون‌همتی: کوتاه فکری، دارای طبع و سرشت پست
- ۲) یقین، مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد: «و» پیوند هم‌پایه‌ساز خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است: «ک» پیوند وابسته‌ساز
- ۳) در متن درس: شد (رفت) و تکیه بر آفریننده کرد. در بیت اول: گردید، مبدل شد (فعل ربطی یا اسنادی). در بیت دوم: جان بر جانانه شد (رفت)، فعل ناگذر.
- ۴) روش (الف) دست: یک دست فنجان آورد. یک دست شطرنج بازی کردم. دستش را برید. تند: او تند راه می‌رود. شیب تند جاده خطرناک است. مزه غذا تند است.
- روش ب) دست و بدن: تضمّن / دست و پا: تناسب / دست و ید: ترادف - تند و مزه: تضمّن / تند و شور: تناسب / تند و سریع: ترادف / تند و کند: تضاد

❖ قلمرو ادبی

- ۱) بگیر ای جوان دست درویش پیر: دست گرفتن کنایه از یاری کردن / زرخدان فروبرد چندی به جیب: کنایه از گوشه‌نشینی کردن
- ۲) کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست: هم اکنون گوش به ساز چنگ سپرده‌ام و دلم تحت اراده و اختیار من نیست. چنگ اول در معنی نوعی ساز و چنگ دوم در معنی پنجه و مجموعه انگشتان دست
- ۳) مشبه: تو، / مشبه‌به: روبه، / ادات تشبیه: چو، / وجه شبه: به وامانده سیر.
- ۴) شیر: سمبل و نماد انسان‌های قدرتمند و پرتلاش که از نتیجه زحمات آنها دیگران هم بهره‌مند می‌شوند. روباه: سمبل و نماد انسان‌های عاجز و سست و ناتوان که متکی به کمک و حمایت دیگران هستند.

❖ قلمرو فکری

- (۱) شخصی که مغزی پخته در سر داشته باشد (دانا و آگاه باشد)، به دیگران بخشش می‌کند؛ در صورتی که افراد پست و کوتاه‌فکر جاهل و نادان هستند. (بخشش نشانه دانایی است و جهالت نتیجه پستی و کوتاه‌نظری است).
- (۲) این که آن فرد با دیدن کیفیت به دست آوردن روزی و سیر شدن روباه بی‌دست و پا، به این نتیجه رسید که با تکیه بر قدرت الهی و توکل بر او بی‌هیچ تلاش و زحمتی می‌تواند روزی به دست آورد و از نعمات الهی بهره‌مند شود.
- (۳) معنی بیت: هر چند رزق و روزی، بدون شک به ما می‌رسد، لیکن تلاش برای کسب روزی، شرط عقل است.
تناسب معنایی دارد با: الف) برو شیر درنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل
معنی دو بیت: سحرگاه درخت ارغوانی را دیدم که به بام خانه فرد رنج‌دیده‌ای رسیده بود. آهسته در گوش ارغوان گفتم: روزگارت خوش باشد که به دیگران خیر می‌رسانی. تناسب معنایی دارد با:
- ب) خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
معنی بیت: چه در حین کار و چه در حال آموختن کار فقط باید به خودت وابسته و متکی باشی. تناسب معنایی دارد با:
- ج) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
- (۴) هم متن درس (مفهوم درس) و هم مثل بر این نکته تأکید دارند که هر چند خداوند رزاق مطلق است و روزی همه موجودات را می‌رساند، لیکن بدون تلاش و کوشش و جنبیدن نمی‌توان کسب روزی کرد.

کنج حکمت:	همت
-----------	-----

کمر بسته: کنایه از آماده شدن و مهیا کردن خود بر انجام کاری. گرانی: سنگینی.

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

مردان بار سنگین زندگی را با نیروی اراده و قدرت همراه با غیرت و جوانمردی و مردانگی به دوش می‌کشند؛ نه فقط با نیرو و قدرت جسمانی.

پیام و نتیجه: در انجام کارها نباید تنها تکیه بر قدرت و توان بدن کرد؛ بلکه باید اراده‌ای قوی داشت همراه با غیرت و جوانمردی

(برتری نیروی همت و اراده بر نیروی جسم).

همت، بلند دار که مردان روزگار / از همت بلند به جایی رسیده‌اند